

نسل آلفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی حقوق بین الملل، حقوق اروپایی و فقه پویا

محمد مهدی سیدناصری *

محمد مهدی مقدادی **

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2026.2081923.2354>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷]

چکیده

تحولات شتابان فناورانه، زیست محیطی و اجتماعی قرن بیست و یکم، کارآمدی الگوهای کلاسیک حمایت از کودک در حقوق بین الملل را در مواجهه با نسل آلفا، با چالش های اساسی مواجه ساخته است. نسل آلفا نخستین نسلی است که در زیست بوم دیجیتال، داده محور و الگوریتمی رشد می یابد و با مخاطراتی روبه رو است که ماهیتی ساختاری، تدریجی و شناختی دارند. این مقاله با رویکردی تطبیقی، منطلق حاکم بر حقوق بین الملل کودک، حقوق اروپایی داده و فناوری و فقه پویا را در مواجهه با این تحولات بررسی می کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از رویکرد تطبیقی انجام شده است. داده های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه ای، تحلیل اسناد بین المللی، مقررات اتحادیه اروپا در حوزه داده و هوش مصنوعی، منابع معتبر فقهی و رویه های تفسیری نهادهای بین المللی گردآوری و به شیوه تحلیل حقوقی مورد بررسی قرار گرفته اند. یافته ها نشان می دهد که اگرچه حقوق بین الملل کودک ذاتاً مبتنی بر حمایت است، اما این حمایت عمدهً واکنشی و پسینی باقی مانده و در مواجهه با ریسک های پیشینی ناشی از فناوری های نوین، با محدودیت های جدی مواجه است. در مقابل، حقوق اروپایی به سمت تنظیم پیشینی و طراحی محور و فقه پویا به سوی منطق مصلحت محور و زمان مند حرکت کرده اند. مقاله استدلال می کند که صیانت از کرامت و حق بر آینده کودک مستلزم بازتعریف منطق حمایت، از سطح واکنشی به حمایت پیش نگرانه و ساختاری است؛ حمایتی که در آن مفاهیمی چون منافع عالیه، حق بر رشد و حق بر داده، در چهارچوبی پیشینی، الزام آور و مبتنی بر ریسک بازتفسیر می شوند.

واژگان کلیدی: نسل آلفا؛ عاملیت دیجیتال کودک؛ فقه پویا؛ تنظیمگری هوش مصنوعی؛ منافع عالیه کودک.

* دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. (نویسنده مسئول)
Email: sm.snaseri@gmail.com

Email: meghdadi@mofidu.ac.ir

** دانشیار، دپارتمان حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.



۱. مقدمه

تحولات شتابان قرن بیست و یکم، نه تنها ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فناورانه جهان را دگرگون کرده‌اند، بلکه مفاهیم بنیادین حقوقی را نیز با پرسش‌ها و چالش‌های تازه‌ای مواجه ساخته‌اند. در میان همه این دگرگونی‌ها، پدیده‌ای کم‌نظیر در حال شکل‌گیری است: ظهور نسل آلفا؛ نسلی که از حدود سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد، در بطن هوش مصنوعی، واقعیت‌های مجازی، فناوری ابری، شبکه داده‌ای و دگرگونی‌های اقلیمی متولد شده و زیست او از نخستین لحظات، در پیوندی درهم‌تنیده با فناوری و الگوریتم تعریف می‌شود. کودکان این نسل نخستین انسان‌هایی هستند که نه در کنار فناوری، بلکه در درون فناوری زندگی می‌کنند. آنان از آغاز تولد در معرض جریان دائمی داده، تحلیل الگوریتمی و تصمیم‌های خودکار قرار دارند و در جهانی رشد می‌یابند که مرز میان امر واقعی و امر مجازی، میان طبیعت و فناوری و میان انسان و ماشین، به تدریج فروپاشیده است.

در این مقاله، «کودک» مطابق تعریف پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل، به هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال اطلاق می‌گردد، مگر آنکه طبق قانون ملی، سن بلوغ زودتر احراز شود. همچنین «حقوق بین‌الملل کودک» به مجموعه قواعد الزام‌آور و نرم حقوقی اطلاق می‌شود که در اسناد بین‌المللی، رویه نهادهای نظارتی و تفاسیر رسمی، با هدف حمایت، رشد و کرامت کودک شکل گرفته‌اند. تأکید بر «حمایت» در این تعریف، ناظر بر هسته کلاسیک حقوق بین‌الملل کودک به عنوان شاخه‌ای از حقوق بشر است که بر مبنای مفهوم آسیب‌پذیری ویژه کودک طراحی شده و کودک را به عنوان ذی‌نفع حمایت تقویتی در برابر اشکال مختلف قدرت شناسایی می‌کند، نه به مثابه قربانی بالفعل.

اگر نسل‌های پیشین در مواجهه با فناوری، هنوز نوعی فاصله و استقلال معرفتی از آن داشتند، نسل آلفا در شرایطی رشد می‌کند که زیست اجتماعی و شناختی او اساساً در بستر داده، تصویر و الگوریتم شکل می‌گیرد. کودکان این نسل، نه تنها در معرض آموزش دیجیتال و ارتباطات مجازی هستند، بلکه بخشی از داده‌های زیستی و رفتاری آنان، به‌طور مداوم، توسط شبکه‌های هوشمند گردآوری، تحلیل و بازتولید می‌شود. در چنین وضعیتی، «کودک» دیگر موجودی صرفاً زیست‌شناختی یا اجتماعی نیست، بلکه به صورت روزافزون، به «سوژه‌ای داده‌محور» نزدیک می‌شود که هستی او در پیوند با سامانه‌های هوش مصنوعی و محیط‌های مجازی معنا می‌یابد.

این تحول به ظاهر فناورانه، در واقع تحولی هستی‌شناختی است، زیرا ماهیت تجربه انسانی و رابطه فرد با خود و دیگری را دگرگون می‌سازد. در این جهان که نه بر پایه قواعد طبیعی، بلکه بر منطق الگوریتمی و یادگیری ماشینی استوار است، حتی شناخت، تخیل و هویت نیز در تعامل با فناوری‌های هوشمند بازتعریف می‌شود. در نتیجه، کودک دیگر نه فقط موجودی آسیب‌پذیر در معنای کلاسیک، بلکه کنشگری است که در ساخت جهان دیجیتال مشارکت دارد و هم‌زمان در معرض اشکال نوینی از مخاطرات نیز قرار گرفته است؛ مخاطراتی که از جنس فقر، جنگ یا استثمار سنتی نیست، بلکه از جنس کنترل داده، مهندسی شناخت، و شکل‌های نوظهور قدرت نرم الگوریتمی است. در برابر این دگرگونی‌های بنیادین، پرسش اصلی آن است که آیا حقوق بین‌الملل کودک که هسته مفهومی و هنجاری آن بر مبنای کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ شکل گرفته است، توانایی درک و پاسخ‌گویی به واقعیت‌های نوین زندگی کودکان نسل آلفا را دارد یا خیر.

واقعیت آن است که حقوق بین‌الملل کودک، با وجود ماهیت انسان‌محور و حمایتی خود، همچنان عمدتاً در چهارچوبی دولت‌محور و واکنشی عمل می‌کند، به این معنا که حمایت از کودک را در قالب مداخله پسینی در برابر آسیب‌های قابل مشاهده تعریف می‌کند. این نظام بر مفاهیمی استوار است که در قرن بیستم و در پاسخ به فجایع انسانی جنگ‌ها و نابرابری‌ها شکل گرفته‌اند و منطق بنیادین آن، حمایت از کودک در برابر قدرت‌های بیرونی بوده است. با این حال، در زیست‌بوم دیجیتال معاصر، بخش مهمی از مخاطرات، پیش از ظهور در قالب آسیب قابل‌شناسایی، در سطح طراحی فناوری، معماری داده و منطق الگوریتمی شکل می‌گیرند. از این منظر، آنچه در این مقاله از آن به عنوان «گذار» یاد می‌شود، نه نفی ماهیت حمایتی حقوق بین‌الملل کودک، بلکه اشاره به محدودیت «حمایت صرفاً واکنشی» در مواجهه با تهدیدهای نوظهور است، به این معنا که استمرار کارآمدی همین منطق حمایتی، مستلزم حرکت به سوی اشکال پیش‌نگرانه، ساختاری و مبتنی بر ریسک از حمایت است، به گونه‌ای که صیانت از کودک نه صرفاً پس از وقوع آسیب، بلکه در مرحله شکل‌گیری محیط‌های فناورانه نیز تضمین گردد. از اینجاست که ضرورت تحول در پارادایم حقوقی پدیدار می‌شود.

حقوق بین‌الملل ناگزیر است از منطق سنتی حمایت صرف، به سوی پارادایمی تازه حرکت کند که بر توانمندسازی، مشارکت و عاملیت حقوقی کودک استوار است؛ پارادایمی که کودک را نه صرفاً موضوع حمایت، بلکه سوژه‌ای فعال در ساخت آینده هنجاری جهان می‌داند.

باوجود گسترش پژوهش‌های مربوط به حقوق کودک در محیط دیجیتال، اغلب مطالعات موجود یا بر ابعاد حقوق بشری و بین‌المللی این موضوع متمرکز بوده‌اند، یا به‌طور مستقل، تنظیمگری فناوری در حقوق اتحادیه اروپا و یا ظرفیت‌های فقه اسلامی را بررسی کرده‌اند. بااین‌حال، پژوهشی که با رویکردی تطبیقی، ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل کودک، حقوق اتحادیه اروپا و فقه پویا را در مواجهه با تحولات بنیادین زیست نسل آلفا به‌صورت هم‌زمان تحلیل کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. خلأ یادشده ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که آیا پارادایم موجود حقوق بین‌الملل کودک توان پاسخ‌گویی به چالش‌های ناشی از زیست دیجیتال نسل آلفا را دارد و در صورت منفی بودن پاسخ، ظرفیت‌های حقوق اتحادیه اروپا و فقه پویای اسلامی تا چه اندازه می‌توانند در بازآرایی این پارادایم مؤثر باشند. مقاله درادامه، ابتدا پارادایم موجود حقوق بین‌الملل کودک را بررسی می‌کند، سپس شکاف‌های نوپدید را تبیین نموده و درنهایت، با تحلیل تطبیقی حقوق اتحادیه اروپا و فقه پویا، چهارچوبی برای تحول پارادایم حقوق کودک ارائه می‌دهد.

۲. پارادایم موجود در حقوق بین‌الملل کودک؛ میراث قرن بیستم

حقوق بین‌الملل کودک، همانند دیگر شاخه‌های حقوق بشر، زاده شرایط خاص تاریخی و اخلاقی قرن بیستم است؛ عصری که در پی دو جنگ جهانی و فجایع انسانی ناشی از خشونت، فقر و تبعیض، ضرورت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر را به‌عنوان رسالتی جهانی مطرح ساخت.^۱ در چنین بستری، کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹، به‌عنوان جامع‌ترین سند جهانی در حوزه حقوق کودک، بر تلفیقی از سه منطق بنیادین استوار شد: حمایت، بقا و مشارکت.

بااین‌حال، در تحلیل ساختار هنجاری و رویه‌ای نظام حقوق بین‌الملل کودک، وزن مفهومی و نهادی این عناصر یکسان نیست. در سطح هنجاری، کنوانسیون علاوه بر حقوق حمایتی (مانند حمایت در برابر خشونت و استثمار)، حقوقی با ماهیت مشارکتی و آزادی‌محور را نیز به رسمیت شناخته است، ازجمله حق کودک بر ابراز نظر و شنیده شدن در کلیه امور مرتبط با او (ماده ۱۲)، آزادی بیان (ماده ۱۳)، آزادی فکر، وجدان و مذهب

1. United Nations, *Convention on the Rights of the Child* (New York: United Nations, 1989).

(ماده ۱۴) و حق دسترسی به اطلاعات (ماده ۱۷). این حقوق نشان می‌دهد که کودک در منطق حقوقی کنوانسیون، صرفاً موضوع حمایت نیست، بلکه به عنوان «فاعل حقوقی در حال رشد» نیز شناسایی شده است. با وجود این، مسئله اصلی در این پژوهش نفی یا نادیده گرفتن این حقوق نیست، بلکه تحلیل جایگاه ساختاری آن‌ها در نظام حقوق بین الملل کودک است.

بررسی تفاسیر کمیته حقوق کودک و رویه اجرایی دولت‌ها نشان می‌دهد که در عمل، منطق غالب همچنان حمایت‌محور باقی مانده و حقوق مشارکتی و آزادی‌محور کودک بیشتر در سطح تفسیری، نرم‌هنجاری یا توصیه‌ای توسعه یافته‌اند تا در سطح یک پارادایم الزام‌آور و ساختاردهنده. از این منظر، می‌توان گفت که نظام موجود واجد یک «توازن نابرابر درونی» میان حمایت از کودک و مشارکت اوست، به گونه‌ای که منطق حمایت و صیانت، همچنان بر طراحی و اجرای حقوق کودک غلبه دارد. بنابراین، استدلال مقاله نه بر انکار حقوق مشارکتی کودک، بلکه بر عدم کفایت توازن موجود در مواجهه با تحولات نسل آلفا استوار است، جایی که حتی حقوق مشارکتی موجود نیز برای مواجهه با زیست دیجیتال، الگوریتمی و داده‌محور کودک نیازمند بازتعریف و تقویت نهادی هستند.

این الگوی فکری، هرچند در زمان خود گامی بزرگ به سوی جهانی شدن کرامت کودک بود، اما در سطح نظری، بر این پیش‌فرض استوار است که کودک موجودی ناتوان از تصمیم‌گیری مستقل است و باید تحت هدایت و حمایت دیگران اعم از والدین، دولت و جامعه بین‌المللی قرار گیرد. بدین ترتیب، حقوق بین‌الملل کودک، به رغم زبان انسانی و پیشرو خود، در بنیان فلسفی همچنان حامل نوعی نگاه قیم‌مآبانه است که در آن، آزادی، مشارکت و عاملیت کودک در مرتبه‌ای ثانویه نسبت به حمایت و مراقبت قرار دارد. این منطق حمایتی، در تفاسیر رسمی کمیته حقوق کودک نیز استمرار یافته است. اگر به مجموعه نظرات تفسیری عمومی کمیته بنگریم، مشاهده می‌شود که مفاهیمی چون «مشارکت»، «هویت فرهنگی»، «رشد متوازن» و «حق بر شنیده شدن» مورد تأکید قرار گرفته‌اند، اما این مفاهیم اغلب در چهارچوبی محدود و واکنشی مطرح می‌شوند. برای نمونه، در تفسیر عمومی شماره ۱۲ درباره «حق کودک بر ابراز نظر»، کمیته بر اهمیت مشارکت کودک در تصمیمات مربوط به او تأکید می‌کند، اما این مشارکت بیشتر در قالب مشورت و شنیدن نظر اوست، نه به عنوان حق بر تصمیم‌سازی یا هم‌زیستی فعال در فرایندهای اجتماعی و فناورانه. به همین ترتیب، در تفسیر عمومی شماره ۲۵ درباره حقوق کودکان در محیط دیجیتال، اگرچه کمیته گامی ارزشمند در جهت شناسایی مخاطرات فضای مجازی برداشته است، اما همچنان رویکرد آن

«پاسخ‌محور» است نه «پیش‌نگرانه».^۲ محور اصلی این تفسیر حفاظت از کودکان در برابر آسیب‌های فضای مجازی است، همچون محتوای خشونت‌آمیز، سوءاستفاده جنسی یا نقض حریم خصوصی و نه طراحی نظامی حقوقی برای تضمین عاملیت کودک در زیست دیجیتال. در نتیجه، رویکرد حاکم بر این تفاسیر، به جای آنکه افق‌های تازه‌ای برای بازاندیشی رابطه کودک با فناوری، داده یا هوش مصنوعی بگشاید، در محدوده مقابله با خطرات موجود باقی می‌ماند.

در سطح فلسفی، این امر ریشه در ساختار معرفتی حقوق بین‌الملل کودک دارد که از ابتدا بر مفهوم آسیب و ترمیم بنا شده است. حقوق کودک، از منظر این پارادایم، هنگامی به کار می‌افتد که آسیبی رخ داده باشد یا خطر آن وجود داشته باشد. بنابراین، سازوکارهای بین‌المللی عمدتاً بر گزارش‌دهی نقض‌ها، نظارت بر اجرای تعهدات و جبران آسیب‌ها متمرکزند. چنین نگرشی سبب شده که نظام کنونی، بیشتر به نظامی واکنشی شباهت داشته باشد تا نظامی پیش‌نگرانه و تحولی.^۳ البته این ارزیابی به معنای فقدان ظرفیت‌های پیشگیرانه در خود کنوانسیون حقوق کودک نیست. اصولی همچون «منافع عالیۀ کودک» (ماده ۳)، «حق بر بقا و رشد» (ماده ۶)، «حق کودک بر شنیده شدن» (ماده ۱۲) و تعهد دولت‌ها به اتخاذ تدابیر مناسب برای حمایت از کودک (از جمله ماده ۱۹) ظرفیت آن را دارند که با تفسیری روزآمد، مبنای مداخلات پیشگیرانه در برابر مخاطرات فناوری‌های نوین قرار گیرند. از این رو، مسئله اصلی نه فقدان مبنای هنجاری در کنوانسیون، بلکه ضرورت بازتفسیر و تقویت ظرفیت‌های اجرایی آن متناسب با زیست‌بوم دیجیتال نسل آلفاست.

۳. شکاف‌های جدید و نابسندگی پارادایم موجود

حقوق بین‌الملل کودک که در نیمه دوم قرن بیستم، در پاسخ به فجایع انسانی و خلأهای اخلاقی آن دوره تکون یافت، امروز با مجموعه‌ای از تکاپوهای ساختاری مواجه است که ماهیت و قلمرو آن را به چالش کشیده‌اند. این تکاپوها را می‌توان در چهار محور بنیادین تحلیل کرد: تحول فناوریانه، بحران اقلیمی و مهاجرت، اقتصاد توجه و محتوای سمی و چالش پاسخ‌گویی بازیگران فراملی. هریک از این محورها، به‌تنهایی و به‌صورت مرکب، نشان می‌دهد

2. United Nations, Committee on the Rights of the Child, General Comment No. 25 (2021) on children's rights in relation to the digital environment, CRC/C/GC/25, 2021.

۳. ستار عزیزی و محمد مهدی سیدناصری، «تعهدات دولت در حمایت از حقوق کودکان در عصر پدیده‌های فناوریانه با تأکید بر نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک»، *دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر* ۱۸، شماره ۲ (۱۴۰۲): ۵-۲۳.

نسل آلفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی ... / سیدناصری و مقدادی ۱۸۳

که پارادایم مبتنی بر حمایت واکنشی دیگر تاب فهم و تنظیم جهان زیست کودکان نسل تازه را ندارد.

۱-۳. تحول فناوریانه و بازتعریف حریم خصوصی و هویت

تحولات فناوری، به ویژه پیشرفت در سامانه های هوشمند مولد و سامانه های همدم گونه هوشمند، مرزهای سنتی میان «خصوصی» و «عام» را فرومی ریزند و شکل های نوین دخالت و جهت دهی شناختی را پدید می آورند. اکنون نرم افزارها و سامانه هایی وجود دارند که با ظرفیت تولید محتوای شخصی سازی شده، یادگیری از داده های رفتاری و استخراج نشانه های زیست سنجی کاربران خردسال، قادرند نه تنها اطلاعات را ثبت کنند، بلکه الگوهای یادگیری، عواطف و حتی هنجارهای رفتاری را بازتولید و تقویت نمایند. این پدیده ها، از ثبت مداوم داده های زیستی و رفتاری تا پوشش شناختی در محیط های آموزشی دیجیتال، معنای «حریم خصوصی» را بازتعریف می کنند، زیرا داده های مربوط به کودک دیگر صرفاً موارد اطلاعاتی نیستند، بلکه بخشی از سازوکارهای تولید هویت و رشد او را می سازند.^۴

این وضعیت پرسش های بنیادی را برمی انگیزد: چه کسی بر داده های زیستی و رفتاری کودک حق تصمیم گیری دارد؟ چگونه می توان از استفاده تجاری یا تربیتی داده هایی که بازتاب دهنده توانمندی ها و آسیب پذیری های رشد کودک اند، جلوگیری کرد؟ پاسخ های سنتی حقوقی که بر مبنای رضایت آگاهانه یا حفاظت عمومی بنا شده اند، برای کودکی که ظرفیت تفهیم کامل پیامدهای طولانی مدت انتشار یا تحلیل داده های خود را ندارد، ناکافی اند. از این رو، نیاز به سازوکارهایی است که نه صرفاً منع کننده سوء استفاده باشند، بلکه شرایط اخلاقی-فنی جمع آوری، تحلیل و به کارگیری داده ها را به صورت پیشینی تنظیم کنند و نقش نهادهای عمومی را در نظارت مستمر بر سامانه های هوشمند تقویت نمایند. این نسبت میان فناوری و حق، همان موضوعی است که کمیته حقوق کودک در تفسیر عمومی خود درباره حقوق کودکان در محیط دیجیتال شناسایی کرده و دولت ها را به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و نظارتی فراخوانده است.

در این قلمرو، مثال های عینی نوپدید نیز گویا هستند. برای مثال، سامانه های آموزشی آنلاین که با تحلیل رفتار تعامل دانش آموزان، «سطح توجه» و «احساسات» را استنتاج

4. Shoshana Zuboff, *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power* (New York: Public Affairs, 2019).

می‌کنند؛ برنامه‌های همدم‌گونه که برای ایجاد دل‌بستگی، محتوای گفتاری و تعاملی ویژه‌ای را برای کودک مهندسی می‌کنند؛ و ابزارهای ردیابی زیستی که داده‌های ضربان قلب، حرکت چشم یا الگوهای خواب را برای بهینه‌سازی تجربه دیجیتال جمع‌آوری می‌کنند. این ابزارها هرچند ممکن است اهداف سودمندانه‌ای داشته باشند، اما در فقدان چهارچوب‌های حقوقی مستحکم، همواره در معرض بهره‌برداری تجاری و جهت‌دهی تربیتی نامرئی قرار دارند.^۵

۲-۳. بحران اقلیمی و وجه مهاجرتی تهدیدها؛ کودکان در خط نخست آسیب

چالش اقلیم، به‌مثابه پدیده‌ای با پیامدهای فراملی و بین‌نسلی، کودکان را در جایگاه نخست قربانیان ساختارهای نابرابر قرار داده است. داده‌ها و گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که نزدیک به یک میلیارد کودک در نقاطی زندگی می‌کنند که در معرض خطرات اقلیمی شدید هستند، از سیلاب‌ها و طوفان‌ها تا کم‌آبی و آلودگی شدید محیطی که سلامت، تغذیه و رشد آنان را مختل می‌سازد. چنین واقعیتی ضرورت بازاندیشی در مسئولیت‌های دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی را به‌وضوح نشان می‌دهد، زیرا آسیب‌های اقلیمی غالباً برآیند سیاست‌ها و فعالیت‌های فراملی‌اند و مرزهای ملی توان پاسخ‌گویی سنتی نظام حقوقی را ناکارآمد می‌سازند.^۶

آمارها و تحلیل‌های تخصصی سازمان‌های بین‌المللی بر شدت این آسیب‌پذیری تأکید داشته‌اند. در عرصه قضایی و نظارتی نیز مراجع حقوقی به‌تدریج این واقعیت را به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری پذیرفته‌اند. نمونه برجسته آن احکام و اقدامات رویه‌ای است که ماهیت فرامرزی تکالیف دولت‌ها در حوزه اقلیم را مورد تأمل قرار داده‌اند، ازجمله مجموعه دادخواست‌هایی که کودکان یا جمعیت‌های متأثر را به‌عنوان مدعیان حقوقی معرفی کرده‌اند و به بحث درباره مسئولیت‌های دولتی نسبت به نسل‌های آینده دامن زده‌اند. پرونده‌هایی که ناظر بر اعتراض کودکان در برابر ناکافی بودن سیاست‌های اقلیمی دولت‌ها بودند، نشان دادند که نظام‌های بین‌المللی هنوز در سازوکار پذیرش و رسیدگی به دعاوی میان‌نسلی و فرامرزی تردید دارند، هرچند اصولی از قبیل وظیفه احتیاط و پیشگیری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست،

5. Mohammad Mehdi Seyed Nasser, "From Google Spain to Gen Alpha: The Right to Be Forgotten and the Digital Protection of Children under International Law," *Opinio Juris* (October 15, 2025).

۶. آمنه مظلوم‌زاده، عبدالرضا جمال‌زاده، و رقیه شهایی، «اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال»، *مطالعات فقه/اقتصادی* ۳، شماره ۵ (۱۴۰۰): ۳۵-۵۶.

به عنوان مبنایی برای این مسئولیت‌ها مطرح شده‌اند.^۷ در این زمینه نیز مراجع بین‌المللی اظهارنظرهایی نموده‌اند که به تدریج چهارچوب‌های حقوقی کلی تعهدات اقلیمی دولت‌ها را روشن ساخته‌اند. پیام این تحول برای حقوق کودکان روشن است: آسیب‌های اقلیمی صرفاً خسارت‌های آنی نیستند، بلکه فرایندهایی هستند که زیست‌مندی آینده کودک را تضعیف می‌کنند و لذا تقلیل آن‌ها نیازمند تکالیف پیشگیرانه، میان‌بخشی و فرامقامی است. سیستم حقوقی‌ای که بر جبران خسارت پس از وقوع بنا شده، در برابر این چالش کم‌توان خواهد بود.^۸

۳-۳. اقتصاد توجه و طراحی‌های اعتیادآور در پرتو حمله به رشد شناختی و هیجانی

در شرایط کنونی، پدیده «اقتصاد توجه» به عنوان نیرویی تعیین‌کننده در سامان‌دهی رفتارهای فرهنگی و آموزشی کودکان عمل می‌کند. پلتفرم‌ها و خدمات دیجیتال، سرمایه توجه کودکان را به عنوان منبع ارزش می‌ستایند و ساختارهای تعاملی خود را طوری طراحی می‌کنند که بیشترین زمان و واکنش را تولید کند. این طراحی‌ها از ساختارهای نمایش محتوا تا الگوریتم‌های پیشنهادگر و ابزارهای اطلاع‌رسانی فوری، اتوریته سنتی خانواده و نهاد آموزشی را تضعیف و فرایندهای رشد شناختی را مخدوش می‌سازند.^۹

اثرات این‌گونه مواجهه‌های مداوم با محتوا که با پژوهش‌های علمی و گزارش‌های تخصصی نیز پشتیبانی می‌شود، شامل کاهش توان تمرکز، پراکندگی توجه، اختلال در خواب و ساخت‌گیری احساسات، به صورت الگوریتمی است. از منظر حقوقی، مهم این است که این موضوع فراتر از حوزه «تنظیم محتوا» و «حمایت مصرف‌کننده» است و به قلمرو حقوق بنیادین کودک، از جمله حق رشد سالم و محروم نشدن از ابزارهای تربیتی غیرمخصص توسعه شخصیت مرتبط می‌شود.^{۱۰} تفسیرهای سنتی حقوقی که صرفاً بر حذف محتواهای صریحاً

7. United Nations, Committee on the Rights of the Child, General Comment No. 26 (2023) on children's rights and the environment, with a special focus on climate change, CRC/C/GC/26, 2023.

8. United Nations, Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict and on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, A/RES/54/263, 2000.

9. Pierre-Marie Dupuy and Jorge E. Viñuales, *International Environmental Law*, 2nd ed (Cambridge: Cambridge University Press, 2018).

10. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner, *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework* (New York and Geneva: United Nations, 2011).

مضر تمرکز دارند، توان پاسخ‌گویی به آسیب‌های ساختاری و زیربنایی اقتصاد توجه را ندارند، زیرا آسیب اغلب در چهارچوب تعبیه‌شده در طراحی پلتفرم رخ می‌دهد و نه در یک محتوای منفرد. لازم است نظام‌های حقوقی به سمت الزام طراحی‌های اخلاقی و ارزیابی آثار توسعه‌ای ابزارهای دیجیتال حرکت کنند تا از شکل‌گیری الگوهای رشد زیان‌آور پیشگیری شود.^{۱۱}

۳-۴. چالش پاسخ‌گویی و قدرت فراملی بازیگران خصوصی

شاخص‌ترین ناتوانی پارادایم کنونی، ناظر بر مسئولیت‌پذیری فراملی شرکت‌های فناوری است. بازیگرانی که مالک زیرساخت‌های اساسی زیست دیجیتال کودکان هستند، اغلب فراتر از حوزه‌های قضایی ملی عمل می‌کنند و ساختارهای حکمرانی آنان مبتنی بر منطق اقتصادی و حق مالکیت فکری است، نه تکلیف حقوق بشری. درحالی‌که دولت‌ها به‌مثابه مسئولان حقوقی سنتی دارای تکالیفی نسبت به شهروندان خویش‌اند، شرکت‌های فراملی فناوری نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم عرصه تربیتی، ارتباطی و آموزشی کودکان ایفا می‌کنند، اما الزام حقوقی بین‌المللی کامل و مؤثری که آنان را در برابر حقوق کودکان مسئول سازد، هنوز موجود نیست.^{۱۲}

چهارچوب‌هایی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی کسب‌وکار یا دستورالعمل‌های غیرالزام‌آور وجود دارد که برخی اصول را برای رفتار شرکت‌ها بیان می‌کنند، اما فقدان مکانیسم‌های اجرایی الزام‌آور و قابلیت پیگیری فراملی، موجب می‌شود که انتقال مسئولیت میان دولت و شرکت صورت گیرد و شکایت‌پذیری حقوقی کودکان در برابر بازیگران اصلی تأثیرگذار بسیار محدود بماند. این وضعیت موجب پیدایش نوعی فرار سیستمی از مسئولیت می‌شود که هم دولت‌ها را تا حدی از اتخاذ اقدامات بازدارنده منع می‌کند و هم شرکت‌ها را از پذیرش مسئولیت‌های بین‌المللی باز می‌دارد. پیشروی مرزهای فناوری و پیوستگی کارکردی پلتفرم‌ها به نظام‌های آموزشی و خدمات عمومی، نیازمند چهارچوب‌هایی است که مسئولیت مشترک دولت‌ها و بازیگران خصوصی را شفاف و قابل اجرا سازد. این امر می‌تواند در قالب سازوکارهایی عملیاتی شود: الزام حقوقی به ارزیابی پیشینی آثار توسعه فناوری بر کودکان،

11. Sacchi et al. v. Argentina et al. "Communications/complaints relating to climate and children's rights" (case materials and summaries). Climate Case Chart / Children's Rights Observatory / Committee on the Rights of the Child materials, 2024-2025.

12. Yolanda Linda Reid Chassiakos et al., "Children and Adolescents and Digital Media," *Pediatrics* 138, no. 5 (November 2016).

نسل آلفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی ... / سیدناصری و مقدادی ۱۸۷

معیارهای گزارشگری استاندارد شده و امکان دسترسی بین المللی به سازوکارهای شکایت و جبران. بدون چنین سازوکارهایی، خلأ پاسخ‌گویی به‌ویژه در مواردی که زیان جمعی و بین‌نسلی رخ می‌دهد، پایدار خواهد ماند.

آنچه از تحلیل محورها برمی‌آید این است که پارادایم کنونی که بر حفاظت واکنشی و چهارچوب مسئولیت دولت‌محور استوار است، با مجموعه‌ای از پدیده‌های متقابل فناورانه و زیست‌محیطی روبه‌رو گردیده که آن را به شدت دگرگون ساخته‌اند. تحول هم‌زمان فناوری و اقلیم، اقتصاد توجه و فراملی‌سازی قدرت خصوصی، حقوق کودکان را در برابر ریسک‌هایی قرار داده که ماهیت آن‌ها فراتر از مفاهیم کلاسیک حقوقی است. اگر نظام بین‌المللی در پی حفظ مشروعیت اخلاقی و کارآمدی خود است، باید از واکنش پس از آسیب فراتر رود و به پیش‌گیری ساختاری، تنظیم طراحی فناوری و توزیع روشن مسئولیت فراملی روی آورد. این امر بیش‌نیاز هرگونه طرح مؤثر تحول‌خواهانه در معماری حقوق کودک است.

۴. ضرورت تغییر پارادایم؛ از منطق «حمایت» به منطق «توانمندسازی حقوقی و کنشگری» بر پایه آموزه‌های حقوقی و فقه پویا

تحلیل شکاف‌های نوپدید نشان می‌دهد که بقای مشروعیت حقوق بین‌الملل کودک دیگر در تداوم تکرار آموزه‌های قرن بیستم نیست، بلکه در ظرفیت این شاخه از حقوق برای بازآفرینی نظری و نهادی آن است که بتواند هم‌زمان «حمایت» و «عاملیت» را به‌طور هم‌راستا و مشروط به هم بازشناسد. این بازآرایی الزامی بیشتر فلسفی و سیاسی است تا صرفاً تکنیکی؛ حقوق باید از قید تلقی سنتی کودک به‌عنوان حوزه صرف مراقبت عبور کند و کودک را به‌عنوان کنشگری حقوقی، در متن جهانی متغیر بازشناسد.

۴-۱. مبانی تحول پارادایمی حقوق کودک بر پایه آموزه‌های دینی و فقه پویا

فقه و قانون‌گذاری اسلامی، برای تبیین احکام و اداره زندگی بشر، مقررات حاکم بر روابط اجتماعی در بستر نیازها، ضرورت‌ها و تحولات بنا شده است. فقیهان بزرگی چون امام‌خمینی^{۱۳} و شهید محمدباقر صدر^{۱۴} و آیت‌الله مکارم شیرازی، قائل به تأثیر زمان و مکان

۱۳. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، جلد ۵ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی، ۱۳۷۸)، ۲۹۳؛ خمینی، صحیفه امام، ۲۱: ۲۱۷ و ۲۸۹.

۱۴. سید محمد هاشمی شاهرودی، «مصاحبه با آیت‌الله هاشمی شاهرودی»، فصلنامه حضور، شماره ۱۴ (زمستان ۱۳۷۴): ۲۶۹-۲۳۹.

در اجتهادند و اینکه دگرگونی‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی و اقتصادی می‌توانند موضوعات را تغییر داده و در نتیجه، احکام هم دچار تغییر شوند. این مطلب درخصوص نیازهای نوین، تهدیدهای نوظهور و تحولات زیستی نسل آلفا کاملاً احساس می‌شود. بنابراین فقه کودک هم باید دگرگونی موضوعات و مسائل نوپیدا را در ترسیم نظام فقهی و حقوقی کودک مورد توجه قرار دهد تا نظام حقوقی جامع و کارآمدتری را تدوین نماید، به‌ویژه اگر به مبانی و اصولی چون کرامت کودک^{۱۵} و مصلحت عنایت بیشتری شود؛ چه اینکه مصلحت و حفظ کرامت، در بستر تغییر شرایط و تحولات زمانی باید منظور شود.

ازسوی دیگر، برخی از آموزه‌های دینی به‌صراحت به این مسئله پرداخته و بر ضرورت توجه به تحولات و مقتضیات زمانی تأکید دارد. امیرالمؤمنین علی(ع) در فرازی از نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»^{۱۶} آداب و رسوم خود را به فرزندان‌تان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.» ازاین‌رو، تنظیم ساخت حیات نسل جدید و تربیت و توانمندسازی کودکان باید بر پایه فناوری و تحولات زیستی باشد، وگرنه نمی‌توان آداب و احکام سنتی را با همان قالب به نسل دگراندیش عرضه کرد و چه‌بسا این مصداقی از سخن ارزشمند امام علی(ع) باشد که فرمود: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوایس»^{۱۷} کسی که به زمان آگاه است، شبهه‌ها به او هجوم نمی‌آورند.»

افزون بر مبنای اجتهاد پویا و نقش زمان و مکان در استنباط احکام، ظرفیت فقه اسلامی برای مواجهه با مسائل نوپدید حقوق کودک را می‌توان در پرتو قواعد عام فقهی نیز تبیین کرد. ازجمله قاعده «الدفع أُولی من الرفع» یا «دفع مفسده مقدم بر جلب مصلحت» اقتضا دارد که نظام حقوقی، پیش از تحقق آسیب، از شکل‌گیری اسباب زیان جلوگیری کند؛ منطقی که با رویکرد تنظیمگری پیشینی در حکمرانی فناوری هم‌خوانی دارد. همچنین، اصل عقلایی

۱۵. کودک دارای شخصیت انسانی است و از حق کرامت و شرافت انسانی برخوردار است (اسراء، آیه ۲۷). ازاین‌رو، بر پایه کرامت، حقوق و حمایت‌های کودک استخراج و اثبات می‌شود. والدین و اولیای کودک و نیز حکومت باید هریک به اقتضای مسئولیت خود، هر امری که مقتضای کرامت طفل است (اعم از سلامت، تربیت، آموزش) فراهم کند و از هر اقدامی که باعث خدشه به کرامت اوست، اجتناب ورزند. به همین دلیل، در اسلام به رفتار شایسته و تکریم کودکان توصیه شده است. خداوند کسانی که کودکان را تکریم نمی‌کنند، سرزنش کرده است و در سوره فجر، آیه ۱۷ می‌فرماید: بلکه یتیم را گرامی نمی‌دارید.

۱۶. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، المجلد ۲۰ (قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، د.ت)، ۳۶۷ و ۱۰۲.

۱۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، المجلد ۱ (تهران: دارالقرآن، ۱۳۹۳)، ۲۶؛ حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده (قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۲)، ۳۵۶.

«الوقایة خیر من العلاج»، هرچند در قالب یک قاعده اصطیادی شناخته می‌شود، بر تقدم پیشگیری بر درمان دلالت دارد و می‌تواند مبنای حمایت پیش‌نگرانه از کودکان در محیط‌های دیجیتال باشد. در کنار این‌دو، قاعده لاضرر نیز اقتضا می‌کند که هرگونه طراحی یا بهره‌برداری فناورانه‌ای که به ورود زیان قابل‌پیش‌بینی به رشد جسمی، روانی یا شناختی کودک بینجامد، از مشروعیت حقوقی برخوردار نباشد.

ازسوی دیگر، برخی فقیهان مداخله حاکم اسلامی در حوزه امور حسبه را ناظر به مواردی می‌دانند که حفظ مصالح عمومی و صیانت از اشخاص فاقد امکان استیفای کامل حقوق خویش، مداخله اقتدار عمومی را ضروری می‌سازد. با توجه به آسیب‌پذیری کودکان در برابر مخاطرات پیچیده فضای دیجیتال، می‌توان تنظیمگری پیشگیرانه نسبت به فناوری‌های مؤثر بر رشد و کرامت کودک را نیز در چهارچوب توسعه‌یافته این ظرفیت فقهی تحلیل کرد، بدین معنا که مداخله تنظیمگرانه دولت، صرفاً محدود به جبران خسارت پس از وقوع آسیب نبوده، بلکه ناظر به پیشگیری از تهدیدهای قابل‌پیش‌بینی نیز خواهد بود.

بااین‌حال، کاربست فقه پویا در حوزه حقوق کودک در عصر دیجیتال، تنها با ارجاع به تغییر موضوعات محقق نمی‌شود، بلکه مستلزم تبدیل مفاهیم فقهی به قواعد تنظیمی عینی است. برای مثال، قاعده مصلحت طفل می‌تواند مبنایی برای محدودسازی پردازش داده‌های رفتاری کودکان در مواردی باشد که این پردازش به مهندسی شناختی یا وابستگی رفتاری منجر می‌شود. همچنین، اصل کرامت انسانی می‌تواند در قالب ممنوعیت طراحی الگوریتم‌هایی که به استثمار توجه یا دست‌کاری هیجانی کودک می‌انجامند، بازتفسیر شود. در این سطح، فقه نه صرفاً ناظر بر تغییر زمان، بلکه مشارکت‌کننده در طراحی هنجارهای تنظیمگر فناوری خواهد بود.

۴-۲. تجربه حقوق اروپایی؛ گذار از حمایت واکنشی به تنظیم پیشینی معماری فناوری

برخلاف چهارچوب کلاسیک حقوق بین‌الملل کودک که عمدتاً بر منطق حمایت پسینی و واکنش به نقض استوار است، تجربه حقوق اروپایی در دهه اخیر، نشان‌دهنده یک دگرگونی پارادایمی به سوی تنظیم پیشینی محیط‌های فناورانه است؛ تحولی که به‌ویژه در حوزه داده و هوش مصنوعی با تمرکز بر کودکان، به‌طور برجسته‌ای قابل‌مشاهده است. در این مقاله، مقصود از «حقوق اروپایی»، نظام حقوقی اتحادیه اروپا است، زیرا مهم‌ترین تحولات در حوزه تنظیمگری داده، خدمات دیجیتال و هوش مصنوعی، از طریق اسناد الزام‌آور این اتحادیه

شکل گرفته است. نمونه‌های برجسته این تحول را می‌توان در مقررات عمومی حفاظت از داده (GDPR)، قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا (Digital Services Act) و قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا (EU AI Act) مشاهده کرد که هریک با رویکردی مبتنی بر پیشگیری، ارزیابی ریسک و افزایش مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال، از حقوق بنیادین کودکان در محیط دیجیتال حمایت می‌کنند. از این رو، هر جا در این مقاله از «حقوق اروپایی» سخن گفته می‌شود، مقصود حقوق اتحادیه اروپا و به‌ویژه این چهارچوب‌های تنظیمی است.

در این چهارچوب، مسئله اصلی دیگر صرفاً حمایت از کودک در برابر آسیب نیست، بلکه «طراحی نظام‌های فناورانه به‌گونه‌ای است که اساساً امکان بروز آسیب کاهش یابد». در حوزه حفاظت از داده، قواعد اروپایی با عبور از مدل رضایت صوری، به سمت تنظیم ساختاری پردازش داده حرکت کرده‌اند. اصولی نظیر حداقل‌سازی داده، محدودیت هدف، و طراحی مبتنی بر حریم خصوصی، به‌ویژه در مورد کودکان، به صورت مضاعف مورد تأکید قرار گرفته‌اند.^{۱۸} نکته مهم آن است که در این رویکرد، کودک صرفاً ذی‌نفع منفعل نیست، بلکه وضعیت خاص او به عنوان «کاربر آسیب‌پذیر»، موجب می‌شود سطح تعهدات تنظیمگران و ارائه‌دهندگان خدمات افزایش یابد. برای نمونه، رضایت در مورد داده‌های کودکان نه تنها باید آگاهانه باشد، بلکه باید متناسب با سطح رشد شناختی تفسیر شود؛ امری که عملاً به محدودسازی دامنه اتکا به رضایت و تقویت مداخلات تنظیمی منجر شده است. این تحول در حوزه هوش مصنوعی عمیق‌تر نیز می‌شود.

در سیاست‌گذاری‌های اروپایی، به‌ویژه در تنظیم سامانه‌های هوشمند، کودکان به عنوان یکی از گروه‌های پرخطر شناسایی شده‌اند و به همین دلیل، استفاده از سامانه‌هایی که می‌توانند بر رفتار، تصمیم‌گیری یا وضعیت روانی آنان اثر بگذارند، مشمول محدودیت‌های شدیدتر یا حتی ممنوعیت می‌شود. در اینجا، منطق حقوقی از «پاسخ به آسیب» به «پیشگیری از امکان آسیب از طریق طراحی» تغییر یافته است. به بیان دیگر، حقوق اروپایی تلاش می‌کند پیش از آنکه کودک در معرض استثمار داده‌ای، دست‌کاری شناختی یا وابستگی الگوریتمی قرار گیرد، خود زیرساخت فناورانه را به‌گونه‌ای تنظیم کند که چنین پیامدهایی اساساً قابل تحقق نباشند. از منظر نظری، این رویکرد بیانگر انتقال از «حقوق به‌مثابه ابزار

۱۸. مریم غنی‌زاده بافقی و سودابه رضوانی، «راهنمای حمایت از حقوق کودکان در محیط دیجیتال»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۶، شماره ۱۰۴ (۱۴۰۲): ۲۹۱-۲۶۹.

جبران» به «حقوق به‌مثابه ابزار مهندسی اجتماعی و فناورانه» است. در این چهارچوب، مفاهیمی مانند «حریم خصوصی»، «امنیت» و حتی «منافع عالیۀ کودک» دیگر صرفاً اصول تفسیری نیستند، بلکه به معیارهای فنی و طراحی ترجمه می‌شوند. برای مثال، اصل منافع عالیۀ می‌تواند در قالب الزامات مشخص برای عدم استفاده از طراحی‌های اعتیادآور، محدودسازی پروفایل‌سازی رفتاری یا ممنوعیت بهره‌برداری تجاری از داده‌های رشد کودک تجلی یابد.

در نتیجه، تجربه حقوق اروپایی نشان می‌دهد که امکان گذار از پارادایم سنتی حمایت به پارادایم تنظیم پیشینی و طراحی محور، نه تنها وجود دارد، بلکه در حال تحقق است. این تجربه خلأ موجود در حقوق بین‌الملل کودک را برجسته می‌سازد، چراکه نظام بین‌المللی همچنان عمدتاً در چهارچوب نظارت، گزارش‌دهی و جبران باقی مانده، درحالی‌که تنظیم واقعی زیست دیجیتال کودکان نیازمند مداخله در سطح طراحی فناوری، استانداردهای فنی و مسئولیت‌پذیری پیشینی بازیگران است. از این رو، الگوی اروپایی می‌تواند به‌عنوان یک نمونه الهام‌بخش، زمینه‌ساز بازاندیشی در معماری حقوق بین‌الملل کودک و حرکت به‌سوی یک نظام تنظیمگری پیش‌نگر و کودک‌محور باشد.

۳-۴. نقد پارادایم محافظه‌کارانه و ضرورت پذیرش پارادایم توانمندسازی

پارادایم غالب در حوزه حقوق کودک را می‌توان پارادایمی محافظه‌کارانه و واکنشی دانست؛ پارادایمی که سیاست‌گذاری و وضع‌نرم‌ها را عمدتاً حول جلوگیری از وقوع زیان و جبران نقض سامان می‌دهد. این رویکرد، هرچند در پس‌زمینه تاریخ بشری و دفاع از بنیان کرامت انسانی موجه بوده است، اما در مواجهه با ساختارهای نرم‌افزاری و اکولوژیک امروز ناکافی است، چراکه مخاطرات نوین همواره پیشینی، تدریجی و درون‌ساختاری‌اند؛ مخاطراتی که پیش از آنکه به مرحله نقض آشکار برسند، در فرایندهای طراحی فناوری و سیاست کلان شکل می‌گیرند. بنابراین، حقوق کودک نیازمند انتقال از منطق صرف «حفظ وضع موجود» به منطق «توانمندسازی حقوقی» است، بدین معنا که قانون‌گذاری باید با هدف تقویت توانمندسازی حقوقی کودک و مشارکت او در فرایندهای قانون‌گذاری و طراحی فناوری انجام پذیرد.

۴-۴. بازشناسی «کودک»؛ کنشگر دیجیتال بین‌المللی

در پارادایم نوین، باید «کودک» نه تنها به مثابه شهروند ملی یا موضوع حمایت دولتی که به مثابه کنشگری میان‌رشته‌ای بازتعریف شود؛ کنشگری که هویت، آگاهی و زیست او در مرزهای فیزیکی محصور نیست و به واسطه جریان‌های داده، شبکه‌های آموزشی دیجیتال و تعاملات فراملی شکل می‌یابد. این بازتعریف دو پیامد مهم دارد: نخست اینکه شمول نرم‌های حقوقی باید مفهومی فراملی عصر نوین بیابد و تکالیف دولت‌ها را در عرصه فراتر از مرزهای سرزمینی تقویت کند؛ دوم اینکه شناسایی کودک به عنوان کنشگر، قرین اعطای امکان مذاکره، مشارکت و تأثیرگذاری حقیقی در فرایندهای سازنده قواعدی است که بر زندگی او اثر می‌گذارد.^{۱۹} در عمل، این به معنای پذیرش مکانیسم‌هایی است که صدای کودک را در طراحی سامانه‌های آموزشی دیجیتال، سیاست‌های داده‌ای و برنامه‌ریزی‌های اقلیمی بنیادین تلقی کنند: از مشاوره‌های الزام‌آور و نمایندگی‌های مشورتی کودک در نهادهای تنظیمگر تا مشارکت رسمی در ارزیابی اثرهای توسعه‌ای فناوری‌هایی که مشخصاً مخاطب کودک دارند.

۴-۵. بازخوانی اصل «منافع عالیۀ کودک» در بستر الگوریتمی و داده‌محور

اصل «منافع عالیۀ کودک»، در بستر الگوریتمی و داده‌محور، نیازمند بازتفسیر در چهارچوب منطق تنظیمگری پیش‌نگرانه مبتنی بر ریسک است. در این چهارچوب، تحقق مداخله حقوقی منوط به وقوع آسیب بالفعل نیست، بلکه بر امکان‌سنجی عقلانی بروز آسیب براساس شواهد تجربی، داده‌های کلان و الگوهای رفتاری قابل‌مشاهده در سطح جمعی استوار است.^{۲۰} به بیان دیگر، حقوق در عصر فناوری، از منطق واکنشی مبتنی بر وقوع ضرر، به منطق پیش‌دستانه مبتنی بر قابلیت پیش‌بینی ساختاری ضرر تحول یافته است. در شرایطی که سامانه‌های الگوریتمی و هوش مصنوعی بر فرایندهای ادراک، آموزش و شکل‌گیری رفتار کودکان اثر می‌گذارند، پیش‌بینی آثار آنها نه بر حدس شهودی، بلکه بر تحلیل میان‌رشته‌ای داده‌های رفتاری، مطالعات طولی و ارزیابی‌های تطبیقی از گروه‌های مشابه استوار است. اگر شواهد علمی نشان دهد که یک الگوی طراحی دیجیتال می‌تواند به‌طور نظام‌مند منجر به کاهش تمرکز، وابستگی رفتاری یا تغییرات پایدار در الگوهای شناختی کودکان شود، چنین

۱۹. سجاد باقرزاده، محمود عباسی، و حسین شریفی طرازکوهی، «حمایت از حقوق تراجنسیت‌ها در پرتو تفاسیر کلی کمیته حقوق کودک»، *دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر* ۱۷، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۱۱۷-۱۴۰.

20. T. Madiega, "The EU Artificial Intelligence Act: Background and Analysis," *European Parliament, European Parliamentary Research Service* (2024).

نسل آلفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی ... / سیدناصری و مقدادی ۱۹۳

یافته‌ای مبنای مداخله پیشینی حقوقی قرار می‌گیرد، حتی پیش از آنکه آسیب فردی به صورت بالفعل محقق شده باشد.

براین اساس، مفهوم ارزیابی پیشینی اثرات فناوری بر کودکان، در این مقاله، ناظر بر یک پیشگویی ذهنی یا فرض احتمالی نیست، بلکه مبتنی بر استنتاج حقوقی از داده‌های تجربی و الگوهای تکرارشونده رفتاری است. این رویکرد بازتابی از تحول گسترده‌تر در حقوق معاصر است که در آن، اصل احتیاط و تنظیم مبتنی بر ریسک، جایگزین انتظار برای تحقق ضرر شده است.^{۲۱} در نتیجه، اصل «منافع عالیۀ کودک» در عصر دیجیتال، زمانی قابلیت اجرایی مؤثر دارد که از یک معیار تفسیری پسینی به یک ابزار تنظیمگر پیشینی تبدیل شود؛ ابزاری که بتواند با اتکا به داده، علم و تحلیل میان‌رشته‌ای، از شکل‌گیری ساختارهای زیان‌بار در زیست دیجیتال کودکان پیشگیری کند، نه صرفاً به جبران پیامدهای آن پس از وقوع بپردازد.^{۲۲}

۴-۶. حکمرانی هوش مصنوعی با رویکرد کودک‌محور: خطوط اصلی یک نظام تنظیمگری نو

برای آنکه پارادایم توانمندسازی به سطح عملیاتی برسد، باید نظام تنظیمگری هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین با یک رویکرد کودک‌محور طراحی گردد.^{۲۳} چنین نظامی باید چند محور بنیادین را دربرگیرد: ۱. اصل اعتبار توسعه‌ای: هرگونه نرم‌افزار یا سامانه‌ای که مخاطب کودک دارد، باید براساس استانداردهای توسعه سالم شناختی و هیجانی، طراحی شود و مورد ارزیابی قرار گیرد. این ارزیابی باید علمی، مستقل و تکرارشونده باشد. ۲. اصل مشارکت: کودکان باید در مراحل طراحی، اجرا و ارزیابی، مشارکت واقعی و معنادار داشته باشند؛ مشارکتی که از شکل صرف مشاوره نمادین فراتر رود و نفوذ واقعی در تصمیمات داشته باشد.^{۲۴} ۳. اصل شفافیت و پاسخ‌پذیری: الگوریتم‌ها و معیارهای تصمیم‌گیری خودکار که بر تجربه کودکان اثر می‌گذارند، باید مقررات افشاگرانه و قابل‌بررسی داشته باشند؛ دسترسی

۲۱. زهرا ابراهیمی و زهرا مشرف‌جوادی، «اصول حاکم بر حق کودک بر سلامت در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق کودک ۱، شماره ۴ (۱۳۹۸): ۱۱۳-۱۴۰.

22. W. Adlong and E. Dietsch, "Nursing and Climate Change: An Emerging Connection," *Collegian* 22, no. 1 (2015): 19-24.

23. United Nations. Convention on the Rights of the Child. General Comment No.14 on the Right of the Child to Have His or Her Best Interests Taken as a Primary Consideration (art. 3, para. 1), CRC/C/GC/14, 2013.

24. J. Rudall, "The Obligation to Cooperate in the Fight against Climate Change," *International Community Law Review* 23, no. 2-3 (2021): 184-196.

مستقل به کدها یا لاگیک تصمیم‌گیری می‌تواند در قالب نهادهای نظارتی ملی و بین‌المللی تضمین شود. ۴. اصل مسئولیت مشترک: مسئولیت حفاظت از حقوق کودک باید میان دولت‌ها، سازندگان فناوری و نهادهای بین‌المللی توزیع و نهادینه شود، بدین معنی که شرکت‌ها وظایفی فراتر از تعهدات اخلاقی داشته باشند و امکان پیگیری بین‌المللی برای نقض حقوق فراهم آید. ۵. اصل پیشگیری و احتیاط: در مواجهه با مخاطرات احتمالی فناوری‌های نو، تکالیف پیشگیرانه و احتیاطی باید الزامی شود. سازوکارهایی چون الزام به ارزیابی اثر توسعه‌ای پیشینی کودکان و توقف موقتی بهره‌برداری در صورت شواهد خطرناک، باید پیش‌بینی گردد.

پیاده‌سازی این اصول نیازمند ترکیب ابزارهای حقوقی گوناگون است، از معاهدات مکمل که چهارچوب الزامی فراهم کنند تا مقررات ملی هنجاری و سازوکارهای نظارتی بین‌المللی که قابلیت اجرایی داشته باشند. در این مسیر، بهره‌گیری از تجربه‌های موجود همچون تفسیرهای عمومی کمیته حقوق کودک درباره محیط دیجیتال، اصول راهنمای کسب‌وکار و حقوق بشر و تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی برای تدوین استانداردهای اخلاقی فناوری می‌تواند مبنای شروع باشد، اما کافی نیست، زیرا الزام قراردادی و مکانیسم‌های اجرایی بین‌المللی ضرورتاً باید تقویت گردند.^{۲۵} تغییر پارادایم از حمایت صرف به توانمندسازی حقوقی، نه انکار نیاز به حفاظت که تحکیم آن را در اشکالی نوین می‌طلبد. این انتقال، بازسازی مفهومی «کودک»، بازتعریف اصل منافع عالیه و استقرار نظام حکمرانی هوشمندسازی کودک محور را به‌عنوان راهبردی ضروری برای حفظ مشروعیت حقوق بین‌الملل در عصر دیجیتال و اقلیم رقم می‌زند. بدون چنین بازآفرینی نظری و نهادی، نظام بین‌المللی با خطری دوگانه روبه‌رو خواهد بود، یا حقوق کودک را به شیوه‌ای محافظه‌کارانه و ناکارآمد نگه دارد که زیربنای اخلاقی آن تضعیف شود، یا به‌گونه‌ای منفعل نظاره‌گر شکل‌گیری نظم‌های غیردموکراتیک و الگوریتمیک باشد که حقوق و آزادی‌های بنیادی نسل‌های آینده را تضعیف می‌کند.

۴-۷. الزامات تحقق پارادایم توانمندسازی حقوقی و کنشگری کودک

گذار از پارادایم حمایت صرف به پارادایم توانمندسازی حقوقی، صرفاً یک جابه‌جایی مفهومی نیست، بلکه مستلزم ایجاد الزامات هنجاری و نهادی مشخص در سطوح قانون‌گذاری،

25. Mariya Stoilova Sonya Livingstone, and R. Nandagiri, *Children's Data and Privacy Online: Growing up in a Digital Age — Research Findings* (London: London School of Economics (LSE), 2019).

تنظیم‌گری و اجراست. در این پارادایم، حمایت از کودک نه با کاهش نقش دولت، بلکه از طریق بازتعریف شیوه مداخله عمومی و تقویت ظرفیت کنشگری کودک تحقق می‌یابد. براین اساس، توانمندسازی حقوقی زمانی محقق می‌شود که کودک علاوه بر برخورداری از حمایت، امکان بهره‌مندی مؤثر از حقوق خود در محیط‌های دیجیتال را نیز داشته باشد.

نخستین الزام این تحول، ارتقای سواد حقوقی و دیجیتال کودکان است. برخورداری از حق مشارکت و عاملیت، بدون شناخت مخاطرات پردازش داده، سازوکارهای تصمیم‌گیری الگوریتمی و حقوق مرتبط با حریم خصوصی، جنبه‌ای صوری خواهد داشت. ازاین‌رو، دولت‌ها باید آموزش سواد دیجیتال و حقوق بنیادین کودک در فضای مجازی را به‌عنوان بخشی از نظام آموزشی و سیاست‌های عمومی مورد توجه قرار دهند. دومین الزام، نهادینه‌سازی مشارکت واقعی کودک در فرایندهای تنظیم‌گری است. تحقق مفاد ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک در عصر دیجیتال، تنها به شنیدن نظر کودک محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم آن است که دیدگاه‌های کودکان، متناسب با سن و میزان رشد آنان، در طراحی خدمات دیجیتال، تدوین سیاست‌های فناوری و ارزیابی آثار سامانه‌های هوشمند نیز مورد توجه قرار گیرد. این مشارکت باید ماهیتی مؤثر و فراتر از مشورت نمادین داشته باشد.

سومین الزام، استقرار نظام ارزیابی پیشینی آثار فناوری بر حقوق کودک است. همان‌گونه که ارزیابی آثار زیست‌محیطی به یکی از الزامات تصمیم‌گیری عمومی تبدیل شده است، فناوری‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر رشد، آموزش یا سلامت روان کودکان اثر می‌گذارند نیز باید پیش از بهره‌برداری، از منظر حقوق کودک مورد ارزیابی قرار گیرند. چنین رویکردی با منطق پیشگیری، اصل احتیاط و اصل منافع عالیۀ کودک هماهنگ است. چهارمین الزام، تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی بازیگران خصوصی است. شرکت‌های فناوری که در طراحی و مدیریت محیط‌های دیجیتال نقش اساسی دارند، باید نسبت به آثار محصولات و خدمات خود بر حقوق کودکان پاسخ‌گو باشند. این امر مستلزم شفافیت در پردازش داده‌ها، ارزیابی مخاطرات الگوریتمی، ارائه توضیح درباره تصمیم‌های خودکار و امکان نظارت مستقل بر عملکرد سامانه‌های هوشمند است. درمجموع، تحقق پارادایم توانمندسازی حقوقی زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که حمایت، مشارکت، پیشگیری و مسئولیت‌پذیری به‌صورت مکمل و در قالب یک نظام تنظیم‌گری یکپارچه مورد توجه قرار گیرند. در چنین چهارچوبی، کودک نه صرفاً موضوع حمایت، بلکه دارنده حقوق و کنشگری

فعال در زیست‌بوم دیجیتال تلقی می‌شود؛ امری که می‌تواند زمینه انطباق حقوق کودک با تحولات فناورانه و اجتماعی نسل آلفا را فراهم سازد.

۴-۸. تحلیل تطبیقی سه پارادایم حقوقی

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که سه نظام حقوقی مورد مطالعه، هر یک منطق متفاوتی در مواجهه با کودک در عصر دیجیتال دارند، در حقوق بین‌الملل کودک، به‌ویژه در چهارچوب کنوانسیون ۱۹۸۹ میلادی، کودک عمدتاً به‌عنوان موضوع حمایت تعریف می‌شود؛ تمرکز اصلی بر پیشگیری از آسیب و جبران نقض است و حتی در اسناد جدیدتر مربوط به محیط دیجیتال، رویکرد غالب همچنان واکنشی باقی مانده است. درمقابل، حقوق اروپایی به‌ویژه در حوزه تنظیمگری داده و فناوری، به‌سمت تنظیم پیشینی حرکت کرده است. اصولی مانند طراحی مبتنی بر حریم خصوصی، محدودسازی پردازش داده‌های کودکان و الزام به ارزیابی اثرات، نشان‌دهنده گذار از حمایت به «مهندسی حقوقی محیط دیجیتال» است. در این چهارچوب، کودک نه تنها موضوع حمایت، بلکه موضوع طراحی نظام‌های فناورانه است.

در فقه اسلامی، به‌ویژه در قرائت فقه پویا، درباره جایگاه مصلحت، سه رویکرد قابل تشخیص است: رویکرد نخست مصلحت را صرفاً در حد فقدان مفسده و جلوگیری از زیان تحلیل می‌کند. رویکرد دوم، مشروعیت تصمیم را منوط به احراز مصلحت واقعی می‌داند؛ اما رویکرد سوم که با مبانی فقه حکومتی و اجتهاد پویا سازگاری بیشتری دارد، مصلحت را نه صرفاً یک اصل تفسیری، بلکه پارادایمی حاکم بر فرایند استنباط و تنظیم روابط نوپدید تلقی می‌کند. بر این مبنا، مصلحت طفل ظرفیت آن را دارد که در مواجهه با فناوری‌های نوین، مبنای تولید قواعد تنظیمی، پیشگیرانه و آینده‌نگر قرار گیرد؛ قواعدی که هدف آن‌ها صرفاً رفع زیان پس از وقوع نیست، بلکه صیانت فعال از کرامت، رشد و آینده کودک در بستر تحولات فناورانه است. در این چهارچوب، کرامت کودک، مصلحت، لاضرر، حفظ نظام و قواعد پیشگیرانه فقهی، مجموعه‌ای منسجم از ظرفیت‌های هنجاری را تشکیل می‌دهند که می‌توانند مبنای طراحی نظام حقوقی متناسب با زیست دیجیتال نسل آلفا قرار گیرند. از این منظر، فقه پویا نه در تعارض با نوآوری‌های حقوق بین‌الملل، بلکه در مقام تکمیل و تعمیق مبانی هنجاری آن قابل تحلیل است. الزامات یادشده، در حقوق اتحادیه اروپا، از طریق تنظیمگری مبتنی بر ریسک و طراحی پیشینی فناوری، و در فقه پویا، از رهگذر

نسل آلفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی ... / سیدناصری و مقدادی ۱۹۷

قواعدی همچون مصلحت، لاضرر و دفع مفسده، پشتوانه هنجاری می‌یابند و از این رو، قابلیت تلفیق در چهارچوب یک الگوی نوین حمایت از کودک را دارند.

۵. معماری نو به مثابه سرمایه قانونی و اخلاقی در نظام حقوق بین الملل کودک

پاسخ به چالش‌های نسل آلفا نیازمند بازسازی هم‌زمان مفاهیم، قواعد و نهادهاست. چنین بازسازی‌ای باید دو ویژگی هم‌زمان داشته باشد؛ اولاً الزام‌آور و قابل اجرا باشد تا خلأهای پاسخ‌گویی را پر کند؛ ثانیاً مبتنی بر معیارهای علمی و اخلاقی باشد تا از ایجاد پیامدهای ناخواسته جلوگیری نماید. در پی این دو ضرورت، پیشنهاد می‌شود معماری نوین حقوق بین‌الملل کودک بر چهار رکن اصلی استوار گردد: تدوین پروتکل مکمل کنوانسیون حقوق کودک، گنجاندن حقوق نوین نسل آلفا، تعیین نقش و مختصات نهادی سازمان‌های بین‌المللی و نهادینه‌سازی همکاری میان‌رشته‌ای.

۱-۵. اصلاح و به‌روزرسانی کنوانسیون حقوق کودک در پرتو فناوری‌های نو و محیط دیجیتال

پیشنهاد محوری، تصویب پروتکلی الحاقی و الزام‌آور به کنوانسیون حقوق کودک است که محدوده تعهدات دولت‌ها و تکالیف عاملان خصوصی را در فضای دیجیتال و فناوری‌های نو مشخص سازد.^{۲۶} پیشنهاد محوری این مقاله، حرکت به‌سوی اصلاح و به‌روزرسانی کنوانسیون حقوق کودک، با هدف انطباق آن با تحولات فناوری‌های نوین و محیط دیجیتال است. هرچند اصول بنیادین کنوانسیون، از جمله منافع عالی کودک، حق بر رشد و حق مشارکت، همچنان ظرفیت هنجاری لازم را دارا هستند، اما اقتضائات زیست‌بوم دیجیتال نسل آلفا ایجاب می‌کند مقررات آن از طریق اصلاحات هدفمند، تکمیل و روزآمد شوند.

در صورتی که تحقق اصلاح متن کنوانسیون در کوتاه‌مدت با دشواری‌های حقوق بین‌الملل مواجه باشد، تدوین اسناد تکمیلی نیز می‌تواند به‌عنوان راهکاری موقت برای تقویت اجرای این اصلاحات مورد استفاده قرار گیرد. پروتکل پیشنهادی باید دارای عناصری باشد، همچون: ۱. حیطه شمول و تعریف مفاهیم: تعریف صریح اصطلاحاتی چون «خدمات دیجیتال مخصوص کودکان»، «داده‌های حساس رشد»، «سامانه‌های تعاملی تربیتی» و «پروفایل‌سازی رفتاری»، تا ابهام در شمول قواعد رفع شود. ۲. تکالیف عمومی دولت‌ها:

۲۶. شهرام سلامی و دیگران، «حق بر سلامت روان کودکان در فضای مجازی در پرتو نظام حقوقی ایران، اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۳، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۱۶۰-۱۳۱.

الزام به وضع مقررات داخلی منطبق با استانداردهای بین‌المللی، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، تضمین دسترسی مؤثر کودکان و خانواده‌ها به مکانیسم‌های شکایت و جبران و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در امور سیاست‌گذاری فناوری.^{۲۷} ۳. تکالیف ویژه نسبت به بازیگران خصوصی: تکلیف شرکت‌ها به رعایت اصل پیشگیری و احتیاط، انجام ارزیابی پیشینی آثار توسعه محصول بر کودکان، تعهد به ارائه گزارش‌های سالانه انطباق و الزام به پاسخ‌گویی قضایی یا مقرراتی در صورت نقض.^۴ روندهای نظارتی بین‌المللی: ایجاد ضمانت اجرای بین‌المللی از جمله مکانیسم گزارش‌دهی منظم به کمیته حقوق کودک، امکان طرح شکایت فردی یا جمعی تحت سازوکار اختیاری پروتکل و پیش‌بینی سازوکارهای میان‌دولتی برای رسیدگی به اقدامات فراسرزمینی شرکت‌ها.^{۲۸} ۵. تمهیدات اجرایی و تفویض مسئولیت فنی: الزام به تأسیس دبیرخانه فنی بین‌المللی برای تدوین معیارهای فنی، حمایت از کشورهای با ظرفیت پایین و تنظیم شبکه‌ای از مؤسسات آزمایشی معتبر برای ارزیابی فناوری‌ها. تجربه پروتکل‌های الحاقی پیشین نشان می‌دهد که افزودن چهارچوب الزام‌آور به کنوانسیون مادر، راهبردی واقع‌گرایانه و کم‌هزینه است: از یک سو بدنه اصلی کنوانسیون بی‌نیاز از بازنویسی کلی می‌ماند و از سوی دیگر، حوزه خاص فناوری برخوردار از تکالیف روشن و مکانیسم‌های اجرایی می‌گردد.^{۲۹}

۵-۲. گنجاندن حقوق نوین نسل آلفا در حقوق بین‌الملل

پروتکل پیشنهادی باید مجموعه‌ای از حقوق نوین را صراحتاً شناسایی و تضمین کند. این حقوق بر مبنای اصول اخلاقی و علمی طراحی شده‌اند و هدف آن‌ها حفاظت از عمق رشد کودک و صیانت از کرامت او در برابر تسلط الگوریتم‌ها و بازارهای داده است. برخی حقوق پیشنهادی عبارت‌اند از:

۲۷. پروانه فرامرزیانی و دیگران، «شناسایی و ارزیابی راهکارهای حمایت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی»، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات ۲۳، شماره ۵۹ (۱۴۰۱): ۱۷۱-۱۵۱.

۲۸. محمدمهدی سیدناصری و طاهره شاه‌محمدی، «بررسی حقوق کودکان در محیط دیجیتال»، مطالعات فقه و حقوق رسانه ۴، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۱۶۴-۱۳۷.

29. Deepanshu Saxena and Sujata Guha, "Algorithmic Harms in Child Welfare: Uncertainties, Challenges and Pathways," *Proceedings of the ACM Conference on Computer-Supported Cooperative Work and Social Computing (CSCW)* (2024). <https://dl.acm.org/doi/10.1145/3616473>.

الف) حق بر داده اخلاق محور: این حق ایجاب می کند که گردآوری، نگهداری، پردازش و اشتراک گذاری داده های مربوط به کودکان، تحت قواعد اخلاقی و توسعه ای قرار گیرد. معیارهای این حق شامل حداقل گردآوری (فقط داده های ضروری)، محدودیت زمان نگهداری، ممنوعیت استفاده تجاری از داده های رشد در مواردی که می تواند منجر به بهره کشی شناختی گردد و تضمین حذف یا انتقال داده ها به محض رسیدن کودک به بلوغ تصمیم گیری قابل قبول است.^{۳۰}

ب) حق بر هوش مصنوعی ایمن و تبیین پذیر: کودکان حق دارند سامانه هایی را که با آنها تعامل می کنند، درک کنند و در مقابل تصمیمات مهم خودکار، امکان اعتراض و اصلاح وجود داشته باشد. بدین منظور، الزام به شفافیت معقول الگوریتمی، فراهم سازی توضیحات قابل فهم مناسب سنی و دسترسی مستقل به ارزیابی های مخاطرات الگوریتمی ضروری است.

ج) حق بر اقلیم پایدار: اقلیم پایدار باید به عنوان شرط تمهید لازم برای تحقق سایر حقوق کودکان شناخته شود. این حق ایجاب می کند که دولت ها در سیاست گذاری اقلیمی خود منافع نسل های آینده را لحاظ کنند، اقدامات پیشگیرانه اتخاذ نمایند و از بروز خسارت های بین نسلی پیشگیری کنند. صیانت از این حق می تواند در قالب تعهدات مشخص کاهش انتشار، حمایت از سازگاری جوامع و تضمین کمک های فنی و مالی بین المللی برای کشورهای آسیب پذیر تنظیم گردد.^{۳۱}

۳-۵. سازوکارهای اجرایی و تضمین رعایت

تعهدات بین المللی بدون پیش بینی سازوکارهای اجرایی مؤثر، فاقد کارآمدی واقعی هستند. از این رو، تقویت ضمانت های اجرایی در حوزه حقوق نوین کودک ضروری است. نخست، هر فناوری یا پلتفرم مرتبط با کودکان باید پیش از عرضه عمومی، تحت ارزیابی مستقل تأثیرات توسعه ای قرار گیرد؛ ارزیابی ای که ابعاد روان شناختی، آموزشی، اجتماعی و اقلیمی را پوشش داده و نتایج آن به صورت شفاف منتشر شود. دوم، الگوریتم ها باید به طور دوره ای، توسط نهادهای مستقل حسابرسی شوند تا سوگیری ها و پیامدهای زیان بار شناسایی و در صورت

30. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, *Recommendation on the Ethics of Artificial Intelligence* (Paris: UNESCO, 2021), consolidated pages 2021-2024.

31. Mohammad Mehdi Seyed Nasseri, "General Comment No. 27 of the Committee on the Rights of the Child and the Transformation of the Concept of Child-Centred Justice," *Opinio Juris* (28 August 2025).

لزوم، ضمانت اجرای مدنی یا اداری اعمال گردد. سوم، تبلیغات هدفمند مبتنی بر پروفایل سازی رفتاری کودکان، به ویژه در موارد منجر به وابستگی شناختی یا الگوهای مصرفی ناسالم، باید محدود یا ممنوع شود. چهارم، ایجاد سازوکارهای فراملی برای طرح شکایت فردی یا جمعی و پیش بینی تدابیر جبرانی مؤثر - از اصلاح فناوری تا جریمه های اقتصادی - ضروری است. پنجم، کشورهای توسعه یافته مکلف اند از طریق انتقال دانش فنی ایمن و حمایت مالی، از تعمیق شکاف دیجیتال و نابرابری حمایتی جلوگیری کنند.

نهادینه سازی این حقوق مستلزم رویکردی میان رشته ای است. تدوین معیارها باید با همکاری حقوق دانان، متخصصان علوم داده، روان شناسی رشد، تعلیم و تربیت، اخلاق فناوری و علوم اقلیم و بر پایه شواهد تجربی انجام شود. بهره گیری از مطالعات طولی، تحلیل پیامدهای سیاستی و پژوهش های کنترل شده می تواند از آثار ناخواسته پیشگیری و مشروعیت نظام حمایتی را تقویت کند. در مجموع، ترکیب یک چهارچوب الزام آور، تقویت نهادهای نظارتی و همکاری علمی میان رشته ای، معماری منسجمی برای صیانت از کرامت و رشد نسل آلفا فراهم می آورد. این رویکرد، افزون بر جبران پسینی، بر پیشگیری، طراحی اخلاق مدار و مسئولیت مشترک تأکید دارد. تحقق آن نیازمند اراده سیاسی، همکاری بین المللی و سرمایه گذاری نهادی است؛ ضرورتی که در برابر خطر تضعیف استانداردهای حقوق کودک و تهدید آینده نسل ها، اجتناب ناپذیر می نماید.

۶. نتیجه گیری

تحلیل این مقاله نشان می دهد که حقوق بین الملل کودک در آستانه یک نقطه عطف مفهومی و نهادی قرار گرفته است، جایی که بازشناسی کودک به عنوان «سوزة نوظهور حقوقی» در بستر تحولات دیجیتال و اقلیمی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. پژوهش بررسی کرد که آیا چهارچوب های موجود، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، توان پاسخ گویی به واقعیت های زیستی، فناورانه و فراملی نسل آلفا را دارند یا خیر. یافته ها نشان می دهد که اگرچه ارزش هنجاری کنوانسیون حفظ شده است، منطق غالب آنکه بر «حمایت واکنشی» استوار است، برای مواجهه با خطرات ساختاری فناوری های نوین ناکافی است. اصول بنیادینی مانند «منافع عالیة کودک» و «حق بر رشد» همچنان پایه ای هستند، اما کارآمدی آن ها در جهان داده محور، الگوریتمی و اقلیمی، مستلزم بازتعریف مفهومی و عملی است.

نسل آلفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی ... / سیدناصری و مقدادی ۲۰۱

مقاله تأکید می‌کند که توانمندسازی حقوقی کودک از طریق سازوکارهای الزام‌آور پیشینی، معیارهای قابل‌سنجش و نظارت مستقل ضروری است.

حقوق نوپدیدی مانند «حق اخلاق‌محور بر داده»، «حق بر هوش مصنوعی ایمن و قابل‌توضیح» و «حق بر اقلیم پایدار» نه صرفاً ابتکارات نظری، بلکه پاسخ حقوقی به تهدیدهای نوظهور هستند. از نظر نهادی، رویکرد صرفاً دولت‌محور در جهانی که بازیگران خصوصی فراملی نقش تعیین‌کننده‌ای در زیست دیجیتال کودکان دارند، کافی نیست و پیشنهاد شده است پروتکل الحاقی الزام‌آور ذیل کنوانسیون تدوین شود که تعهدات دولت‌ها، مسئولیت شرکت‌های فناورانه، ارزیابی پیشینی آثار فناوری، حسابرسی الگوریتمی و سازوکارهای جبران خسارت را به صورت شفاف مشخص کند. براین اساس، پیشنهاد مقاله حرکت به سوی اصلاح و به‌روزرسانی کنوانسیون حقوق کودک متناسب با تحولات فناوری‌های نوین است تا تعهدات دولت‌ها، مسئولیت بازیگران خصوصی، ارزیابی پیشینی آثار فناوری و سازوکارهای نظارتی متناسب با زیست‌بوم دیجیتال کودکان به صورت شفاف و مؤثر در متن کنوانسیون یا اصلاحات آن پیش‌بینی شود.

هم‌زمان، نقش هماهنگی نهادهای بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر، یونسکو و یونیسف و ایجاد دبیرخانه فنی بین‌المللی ضروری است تا فاصله میان تعهدات هنجاری و اجرای عملی کاهش یابد. در این چهارچوب، کودک به عنوان کنشگر حقوقی شناخته می‌شود، نه صرفاً موضوع حمایت که مشارکت او مشروعیت و اثربخشی سیاست‌ها و نظام‌های فناورانه را افزایش می‌دهد. بازاندیشی پیشنهادی هم در چهارچوب حقوق بشر و هم در فقه پویا پشتیبانی می‌شود؛ اصولی مانند قاعده لاضرر، حفظ کرامت انسانی، تقدم مصلحت طفل، مبنایی روشن برای مداخله پیشگیرانه و تنظیم‌گرانه فراهم می‌آورند. حمایت ساختاری از کودک در برابر پیامدهای بلندمدت فناوری‌های داده‌محور نه تنها انتخابی سیاستی، بلکه ضرورت عدالت، امانت‌داری و رعایت حقوق نسل‌های آینده است. در جمع‌بندی، مقاله تأکید می‌کند که اگر حقوق بین‌الملل کودک می‌خواهد همچنان مرجع اخلاقی و کارآمد نظم جهانی باقی بماند، باید فراتر از منطق حداقلی حمایت حرکت کند و کودک را به عنوان بنیان‌گذار حقوق نوین فعالانه به رسمیت بشناسد تا کرامت و آینده انسانی نسل آلفا به‌طور مؤثر تضمین شود.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

قرآن کریم.

ابراهیمی، زهرا، و زهرا مشرف‌جوادی. «اصول حاکم بر حق کودک بر سلامت در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق کودک ۱، شماره ۴ (۱۳۹۸): ۱۴۰-۱۱۳.

باقرزاده، سجاد، محمود عباسی، و حسین شریفی طرازکوهی. «حمایت از حقوق تراجنسیت‌ها در پرتو تفاسیر کلی کمیته حقوق کودک»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر ۱۷، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۱۱۷-۱۴۰. <https://doi.org/10.22096/hr.2021.141539.1264>

حرانی، حسن بن‌شعبه. تحف العقول. ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: انتشارات آل‌علی، ۱۳۸۲.
خمینی، سید روح‌الله. صحیفه امام. جلد ۵ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.

خوئی، سید ابوالقاسم. مصباح الفقاهه. تقریر محمدعلی توحیدی. جلد ۵، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۵.

سلامی، شهرام، زهرا زارع اسفیدانی، سحر حسنی، و رویا معتمدنژاد. «حق بر سلامت روان کودکان در فضای مجازی در پرتو نظام حقوقی ایران، اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی ۲۳، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۱۶۰-۱۳۱.

سیدناصری، محمدمهدی، و طاهره شاه‌محمدی. «بررسی حقوق کودکان در محیط دیجیتال»، مطالعات فقه و حقوق رسانه ۴، شماره ۱ (۱۴۰۱): ۱۶۴-۱۳۷.

عزیزی، ستار، و محمدمهدی سیدناصری. «تعهدات دولت در حمایت از حقوق کودکان در عصر پدیده‌های فناورانه با تأکید بر نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر ۱۸، شماره ۲ (۱۴۰۲): ۲۳-۵. [10.22096/hr.2025.2011568.161](https://doi.org/10.22096/hr.2025.2011568.161)

غنی‌زاده بافقی، مریم، و سودابه رضوانی. «راهبردهای حمایت از حقوق کودکان در محیط دیجیتال»، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۲۶، شماره ۱۰۴ (۱۴۰۲): ۲۹۱-۲۶۹.

فرامرزیانی، پروانه، باقر انصاری، محمد سلطانی‌فر، و افسانه مظفری. «شناسایی و ارزیابی راهکارهای حمایت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی»، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات ۲۳، شماره ۵۹ (۱۴۰۱): ۱۷۱-۱۵۱.

مظلوم‌زاده، آمنه، عبدالرضا جمال‌زاده، و رقیه شهابی. «اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال»، مطالعات فقه و اقتصاد ۳، شماره ۵ (۱۴۰۰): ۵۶-۳۵.

هاشمی شاهرودی، سید محمد. «مصاحبه با آیت‌الله هاشمی شاهرودی»، فصلنامه حضور، شماره ۱۴ (زمستان ۱۳۷۴): ۲۶۹-۲۳۹.

نسل ألفا و تحول پارادایم حقوق کودک؛ تحلیل تطبیقی ... / سیدناصری و مقدادی ۲۰۳

ب- منابع عربی:

ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله. شرح نهج البلاغه. المجلد ۲۰، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، [د.ت].
المجلسي، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار. المجلد ۴۴، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۴۵ هـ.ق.
كيني، محمد بن يعقوب. الكافي. جلد ۱ و ۵، تهران: دارالكتاب، ۱۳۹۳.

ج- منابع لاتین:

Adlong, W., and E. Dietsch. "Nursing and Climate Change: An Emerging Connection." *Collegian* 22, no. 1 (2015): 19-24.
<https://doi.org/10.1016/j.colegn.2013.10.003>.

Agarwala, Shreya. "Children's Privacy and the Ghost of Social Media Past." *Columbia Human Rights Law Review* 56, no. 1 (2025): 299-350.

Chassiakos, Yolanda Linda Reid, Jenny Radesky, Dimitri Christakis, Megan A. Moreno, Corinn Cross, and Council on Communications and Media. "Children and Adolescents and Digital Media." *Pediatrics* 138, no. 5 (November 2016).
<https://doi.org/10.1542/peds.2016-2593>.

United Nations, Committee on the Rights of the Child. General Comment No. 25 (2021) on children's rights in relation to the digital environment, CRC/C/GC/25, 2021.

United Nations, Committee on the Rights of the Child. General Comment No. 26 (2023) on children's rights and the environment, with a special focus on climate change, CRC/C/GC/26, 2023.

Dupuy, Pierre-Marie, and Jorge E. Viñuales. *International Environmental Law*. 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press, 2018.

Madiega, T. "The EU Artificial Intelligence Act: Background and Analysis." *European Parliament, European Parliamentary Research Service* (2024).
[https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI\(2021\)698792](https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI(2021)698792).

Rudall, J. "The Obligation to Cooperate in the Fight against Climate Change." *International Community Law Review* 23, no. 2-3 (2021): 184-196.

Sacchi et al. v. Argentina et al. "Communications/complaints relating to climate and children's rights" (case materials and summaries). Climate Case Chart / Children's Rights Observatory / Committee on the Rights of the Child materials, 2024-2025. https://www.climatecasechart.com/document/sacchi-et-al-v-argentina-et-al_f10c and <https://www.childrensrightsobservatory.org/>.

Seyed Nasser, Mohammad Mehdi. "From Google Spain to Gen Alpha: The Right to

Be Forgotten and the Digital Protection of Children under International Law.” *Opinio Juris* (October 15, 2025). <https://opiniojuris.org/2025/10/15/from-google-spain-to-gen-alpha-the-right-to-be-forgotten-and-the-digital-protection-of-children-under-international-law/>.

Seyed Nasseri, Mohammad Mehdi. “General Comment No. 27 of the Committee on the Rights of the Child and the Transformation of the Concept of Child-Centred Justice.” *Opinio Juris* (August 28, 2025). <https://opiniojuris.org/2025/08/28/general-comment-no-27-of-the-committee-on-the-rights-of-the-child-and-the-transformation-of-the-concept-of-child-centered-justice/>.

Stoilova, Mariya, Sonya Livingstone, and R. Nandagiri. *Children’s Data and Privacy Online: Growing up in a Digital Age — Research Findings*. London: London School of Economics (LSE), 2019. <https://www.lse.ac.uk/media-and-communications/assets/documents/research/childrens-data-and-privacy-online.pdf>.

United Nations. *Convention on the Rights of the Child*. New York: United Nations, 1989. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-rights-child>.

United Nations. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict and on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, A/RES/54/263, 2000.

United Nations. Convention on the Rights of the Child. General Comment No.14 on the Right of the Child to Have His or Her Best Interests Taken as a Primary Consideration (art. 3, para. 1), CRC/C/GC/14, 2013.

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. *Recommendation on the Ethics of Artificial Intelligence*. Paris: UNESCO, 2021. <https://www.unesco.org/en/articles/recommendation-ethics-artificial-intelligence>.

United Nations Human Rights Office of the High Commissioner. *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations “Protect, Respect and Remedy” Framework*. New York and Geneva: United Nations, 2011. https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Publications/GuidingPrinciplesBusinessHR_EN.pdf.

Zuboff, Shoshana. *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. New York: Public Affairs, 2019.